



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۲/۲۳

بنیاد حقوق قربانیان افغانستان

## چرا جنگ افغانستان را پایانی نیست؟

جنگ ظاهراً بی پایان افغانستان اکنون تلفات انسانی بیشتری نسبت به جنگ های سوریه، عراق، لیبیا و یمن دارد. الگوهای خشونت طی ماه های اخیر به طور چشمگیر تغییر یافته و به همین ترتیب حملات طرفین درگیر بالای همدیگر و مخصوصاً مواضع ملکی افزایش یافته است. اکثریت قریب به اتفاق قربانیان افغان ها هستند. امریکایی ها میخواهند پای شانرا از این جنگ که خود آغازگر آن هستند، بکشند. به همین هدف پیوسته نیروهای خود را در افغانستان کاهش داده و پایگاه های نظامی خود را مسدود میکنند. مذاکرات طولانی و نفس گیری بین هیأت های امریکایی و تحریک طالبان منجر به یک توافق خیلی پیچیده و مبهم شد. نکات کلیدی این موافقتنامه عبارت از اخراج کامل قوای خارجی در رأس امریکا از افغانستان و عدم استفاده خاک افغانستان بواسطه جنگجویان خارجی در برابر کشورهای دیگر جهان است. صلح دائمی، ختم جنگ و یا حد اقل آتش بس در اولویت این موافقتنامه قرار ندارد. آنچه مسلم است اینست که برای تحقق موارد کلیدی فوق و احتمالاً نکات دیگر این موافقتنامه کار اساسی صورت نگرفته است. در اوایل ماه دسمبر سال جاری جنرال مارک میلی لوی درستیز امریکا اعلان کرد که "دو پایگاه دائمی و چندین پایگاه ماهواره بی ما در افغانستان باقی خواهند ماند." به همین ترتیب جنگجویان خارجی هنوز با تحریک طالبان در برابر نیرو های دولت افغانستان می جنگند. کارشناسان به این نظر هستند که عدم تحقق موافقتنامه دوحه و ازدیاد خشونت بستگی به عوامل داخلی و خارجی دارد که در ذیل بصورت فشرده بدان ها اشاره میگردد.

### عوامل داخلی جنگ کنونی در افغانستان را بدین گونه میتوان بر فشرده:

- پافشاری طالبان بر طرح ریزی آینده کشور بر اساس برداشت خود شان از نظام اسلامی عمده ترین علت داخلی ادامه جنگ بعد از امضای موافقتنامه شان با امریکا است. طالبان با نادیده گرفتن تغییرات در شیوه زندگی و ذهنیت مردم افغانستان بخصوص زنان و جوانان طی دو دهه اخیر نه تنها باعث ادامه جنگ و طولانی شدن مذاکرات میشوند، بلکه تداوم یک توافق احتمالی مصلحتی را نیز شدیداً زیر سوال میبرند. پرسش اینجاست که چگونه طالبان و داعش قادر هستند برای این جنگ نا مشروع از داخل کشور همچنان سربازگیری کنند؟ به احتمال قوی فقرمفرط، استمرار جنگ و خشونت و پائین بودن سطح آگاهی مردم آنها را وادار به امرار معاش از طریق پیوستن به طالبان و سایر گروه های مسلح مخالف دولت میسازد.

- نا توانی دولت برای مهار ساختن توانایی جنگی طالبان، ناکامی در جلوگیری از ورود مواد انفجاری و راکت ها، حتی در شهر کابل، حضور گسترده طالبان در اطراف شهرها و ضعف دولت در ممانعت طالبان از کنترل و دریافت حق العبور در شاهراه ها، امید طالبان به سقوط دادن دولت را تقویت نموده است. ضعف دولت عوامل داخلی و خارجی متعدد دارد که در این مختصر نمی گنجد.

- گذشته از حضور جنایتکاران جنگی و نافرین حقوق بشر در دولت، مافیای دولتی و غیردولتی توانسته است تا در فضای آلوده به فساد و فرهنگ معافیت زورمندان طی دو دهه اخیر به توانایی های مالی و نفوذ خود هم در حکومت و پارلمان و هم در نقش پشتیبان مالی و معنوی طالبان بیفزاید. مافیا منافع و بقای خود را در ادامه جنگ می بیند و با بکارگیری نفوذ و توان مالی خویش میکوشد دولت را ضعیف تر ساخته و طالبان را به ادامه جنگ ترغیب کند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکی په خیر و لولی

ابعاد خارجی بحران سیاسی و جنگ ۴۲ سال اخیر افغانستان بنا بر جغرافیای ویژه سیاسی این کشور و داشتن اختلافات مرزی با پاکستان با ابعاد داخلی و اجتماعی این کشور کثیرالملیتی عمیقاً گره خورده و همواره از یکدیگر آسیب پذیر و باعث بروز تنش ها، جنگ و بی امنیتی در افغانستان و منطقه بوده است.

اگر قسماً فروپاشی اتحاد شوروی و شکست کمونیزم را در جهان ثمره جهاد برحق و مبارزات آزادیخواهی افغان ها بدانیم، میتوان گفت که ابعاد خارجی و تبعات جنگ و تنش های سیاسی افغانستان طی چهار دهه اخیر در تغییر مرادفات دیپلوماتیک و روابط بین المللی نقش بسا مهمی داشته است. حملات تروریستی بالای برج های مرکز تجاری نیویارک توسط شبکه القاعده و بالنتیجه -حاکمیت پنج ساله طالبان توأم با استمرار جنگ های داخلی که سبب کشته شدن هزارهائسان و بیجا شدن هزاران خانواده از یکطرف و کشته شدن هزاران طالب افغانی، پاکستانی، عربی و چینی از طرفی گردید، شاهد آشکار حمایت مالی عربستان سعودی از حکومت طالبان در رقابت با رژیم ایران توأم با مداخلات آشکار حکومت پاکستان به منظور تداوم جنگ در افغانستان بوده که سر انجام به حمله و حضور ناتو در رأس ایالات متحده امریکا، سقوط طالبان و تأسیس حکومت جمهوری اسلامی افغانستان شد.

عقد قرارداد امنیتی بین حکومت افغانستان و ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۱۴ م مبنی بر حمایت امریکا از حکومت و نیروهای امنیتی افغان از يك طرف و بالاخره بعد از گذشت شش سال، امضاء موافقتنامه حکومت امریکا با تحریک طالبان و شروع پروسه مذاکرات کنونی صلح در دوحه از جانب دیگر پیامی است از حال و احوال افغانستان تحت اشغال و اینکه بیگانگان در مورد سر نوشت این سرزمین و مردم آن تصمیم میگیرند.

در این میان وابستگی، بی کفایتی و ضعف مدیریت سیاسیون و دولتمردان افغانستان طی بیشتر از چهار دهه اخیر وضعیت آسیب پذیر از تعصبات قومی، لسانی و مذهبی را بوجود آورده که باعث لجام گسیختگی اجتماعی و عدم اجماع سیاسی شده و زمینه را برای مداخلات مستقیم همسایه ها، شبکه های استخباراتی خارجی، جنگ های نیابتی و بالاخره تجاوز مستقیم ابرقدرت ها در امور کشور ما مساعد ساخته و درنتیجه تعیین سر نوشت این ملت را بدست بیگانگان سپرده است.

یگانه راه مناسب و مؤثر بیرونرفت از این جنگ خانمان سوز و رسیدن به يك صلح دایمی مستلزم اتحاد تمام سران اقوام، رهبران احزاب سیاسی و بسیج تمام اقشار اجتماعی و نهاد های مدنی در يك صف واحد به منظور تأمین اجماع ملی و سیاسی است تا تحریک طالبان حاضر به اعلان آتش بس و مشارکت سیاسی با جمهوری اسلامی افغانستان گردیده و مذاکرات صلح که با چشمداشت خیر و فلاح افغانستان به راه افتاده است، با عین نتیجه بسر برسد. شاید آنگاه افغانستان به اقتدار و استقلال سیاسی از دست رفته اش دوباره دست یابد.

هالند، ۲۲ دسمبر ۲۰۲۰ م  
بنیاد حقوق قربانیان افغانستان  
(بنیاد حق)